

اینها دلائل یگانگی خدا است

✽ صفحات رمزی کتاب هستی

✽ در یک حقیقت مطلق تعدد معنی ندارد

✽ هستی بی نهایت ممکن نیست متعدد باشد

دوگانگی نشانه ترکیب است

اینرا شنیده‌اید که میگویند «جهان هستی» حکم کتاب بزرگی را دارد که در هر صفحه آن هزاران داستان و ماجراست ، ولی آیا اینرا هم میدانید که بسیاری از صفحات این کتاب بی نظیر با خطوط رمز نوشته شده است ؟!

همانطور که امروز دستگاههای اطلاعاتی کشورها برای پی بردن بنقشه‌های رقباء خود که با خطوط رمز نگاشته شده فعالیت خود را روی پیدا کردن «کلید رمز» متمرکز میکنند ، دانشمندان بشر هم برای دست یافتن با سرار شگفت آور کتاب بزرگ هستی ناگزیر از پیدا کردن «کلید رمز» یا «کلیدهای رمز» هستند . اینجاست که نبوغ فلاسفه و دانشمندان و متفکران ظاهر میگردد ، نایب کسی است که بتواند بر یکی از این کلیدهای رمز آگاهی یابد .

هر دانشمندی به تناسب رشته معلومات خود بتمدادی از این صفحات رمزی کتاب هستی برخورد میکند که باید حداکثر کوشش خود را برای پیدا کردن «کلید رمز» و کشودن گنجینه اسرار مورد نظر خود بنماید ، و با بگفته «اینشتاین» بالفبای این کتاب آشنا شود .

سابقاً گفتیم بحث «صفات خدا» یکی از مباهات و آنرا باید در ردیف پیچیده ترین

مسائل علمی شمرد ، بدلیل اینکه خداوند هیچ چیزش با ما و با آنچه دیدہ ایم و شنیدہ ایم شباهت ندارد و ازو ہم و قیاس ما بیرون است . اتفاقاً درک ہمین حقیقت کہ ذات خداوند با آنچه تاکنون دیدہ ایم هیچ شباهت ندارد (و بنا براین باید درفہم صفات آن ذات مقدس «قیاس و تشبیہ» را بکلی دور بیاندازیم) «کلید رمز» این بحث است کہ با کشف آن بعبوبی میتوانیم اسرار و مشکلات این بحث را گشودہ و با خدا و صفات او آشنا شویم .

اگر نظر تان باشد در شماره گذشتہ بدنبال کشف این کلید دو موضوع را دانستیم :

۱ - ذات خدا عین ہستی است (یعنی وجودی است خالص و غیر ہستی با آن آمیختہ نیست)

۴- ذات خدا ازہر نظر بی پایان و نامحدود است .

اکنون با توجہ باین دو موضوع ، ہی بردن بمسألہ یگانگی و یکتائی خداوند کار آسانی است و از راهای مختلف میتوانیم این بحث را تعقیب کردہ بہ نتیجہ برسیم . (و بجہاتی کہ بعداً خواهد آمد دلائل عقلی و علمی توحید را برادلہ نقلی مقدم میداریم) .



راہ اول - دریک حقیقت خالص ، تعدد معنی ندارد .

بطور کلی ہمیشہ تعدد بر اثر اضافه شدن قیود بیک حقیقت پیدا میشود و تاپای قید در میان نیاید تعدد پیدا نمیشود . باز در اینجا ناگزیر از ذکر یک مثال هستیم : ما اگر حقیقت «نور» را بدون هیچ قیدی تصور کنیم و صد بار ہم بر کردیم همان حقیقت را تصور کنیم باز می بینم غیر از آنچه در اول تصور کردیم چیز تازه ای نیست ، در اول «نور» را بطور مطلق ، بدون هیچ قید و شرط از نظر زمان و مکان و شدت و ضعف و کم و زیاد ، تصور کردیم ، باز کہ برگشتیم و آنرا مجدداً تصور کردیم عیناً همانست ، و ہر چہ کوشش کنیم بلکہ دو حقیقت «نور» تصور کنیم ممکن نیست .

چہ موقع میتوانیم دو فرد «نور» فرض کنیم ؟ موقعی کہ پای قیود و شروط بمیان آید ؛ مثلاً چراغی در این مکان و چراغ دیگری در یک کیلومتری تصور کنیم اینچہای مکان بمیان آمدہ و دو فرد پیدا شدہ ، یا چراغی را کہ امشب در خانہ برافروختہ ایم یا چراغی کہ دیشب برافروختیم در نظر بگیریم باز دو فرد میشود ، چون پای قید زمان بمیان آمد . یا منبع نور را از اشیاء گوناگون تصور کنیم و بگوئیم نور آفتاب ، نور ماہ ، نور شملہ آتش ؛ نور گرم شب تاب ، و نور گوہر شب چراغ و . . . در اینچہای منبع های مختلف بمیان آمدہ تعدد پیدا شدہ .

خلاصه، تاقیدی خارج از حقیقت و ذات نور، آن نیافر ایم و دفر در برای آن متصور نیست نتیجه این میشود که اگر تمام قیود را از حقیقت «نور» حذف کنیم؛ آنجا و اینجا، امروز و فردا، جرم ماه و جرم خورشید و کرم شب تاب همه این قیود را بزیم و اصل حقیقت «نور» را بنظر بیاوریم می بینیم فقط يك چیز بیش نیست و تمدد و دوگانگی در آن راه ندارد.

اکنون برگردیم باصل مطلب. ذات خدا عین هستی و هستی خالص است و چیزی غیر هستی با آن آمیخته نیست؛ ماهرگز نمیتوانیم برای «هستی مطلق» دفر تصور کنیم؛ فقط در صورتی میتوانیم دو مصداق برای آن در نظر بگیریم که قید مکان، یا زمان، یا کمیت، یا کیفیت یا قید دیگری با آن بیافر ایم اینجا است که تمدد در آن راه پیدا میکند. اما هنگامیکه توجه داشته ایم که خداوند نه مقید بمکان، نه زمان، نه کیفیت، نه کمیت، نه سایر حدود و قیود است و وجود باک او عین هستی و هستی مطلق است و از هیچ نظر قید و شرطی در آن ذات بی نظیر راه ندارد در این صورت هرگز نمیتوانیم تمددی برای او تصور کنیم. یعنی محال است شبیه و همانندی برای او تصور کنیم.



راه دوم - هستی بی نهایت ممکن نیست تمدد داشته باشد.

این راه، راه روشن دیگری برای اثبات یگانگی خدا است، قبلاً دانستیم که ذات خداوند وجودی است «بی نهایت در بی نهایت»، یعنی از هر جهت که فرض کنیم نامحدود است جایی نیست که نباشد، زمانی نیست که وجود نداشته باشد، کمالی نیست که دارا نباشد، يك چنین حقیقتی محال است دفر داشته باشد، زیرا اگر تمدد باشد حتماً باید در جهتی از جهات محدود باشد.

برای توضیح، این مثال را در نظر بگیرید: فرض کنید ما در روی زمین دو خانه داریم؛ مسلماً باید هر يك از این دو خانه محدود باشد تا دو عدد باشد، مقداری از سطح زمین را يك خانه فرا گرفته، دیوار آن که تمام شد دیگری شروع میشود. اما اگر فرضاً تمام کره زمین را یکی از خانه های ما فرا گرفته است و هیچگونه حدی ندارد، مسلماً جایی برای خانه دوم باقی نمی ماند.

اگر ما دو ذات فرض کنیم مسلماً وقتی دوگانگی آنها محفوظ میماند که این غیر آن باشد، یعنی این یکی بجائی میرسد که تمام میشود و آن یکی شروع میشود؛ و بعد از آن دیگر هر کدام از اینها فاقد دیگری است و خارج از آن قرار دارد. بدیهی است این موضوع با بی نهایت بودن بهیچوجه سازش ندارد، زیرا این عین محدودیت و متناهی بودن است، اولی

محدود است چون دومی خارج از وجود اوست، دومی هم محدود است که اولی خارج از وجود اوست و هر کدام فاقد وجود دیگری است. نتیجه اینکه در حقیقتی که بی نهایت از هر جهت است تعدد دوگانگی ابدآراء ندارد و هیچگونه شبیه ومانندی برای او متصور نیست (دقت کنید).

این دلیل را خوب بخاطر بسپارید زیرا بكم همین دلیل مابعداً ثابت خواهیم کرد که خداوند در همه جاهست، یعنی مکانی نیست که خدا در آنجا نباشد، زمانی نیست که خدا در آن زمان وجود نداشته باشد؛ در عین اینکه خداوند بطور قطع عین وجودمانیست از ماهم جدائی مطلق ندارد؛ توضیح این مطالب را بعداً خواهیم داد.



راه سوم - لازمه دوگانگی ترکیب است.

این راه نیز از جمله راههایی است که دانشمندان ما برای اثبات یگانگی خدا پیموده اند؛ و خلاصه آن بصورت ساده چنین است: اگر مادو مبدء برای عالم هستی فرض کنیم حتماً باید این دو مبدء مرکب باشند، لا اقل مرکب از دو جزء، چرا؟ زیرا اگر این دو مبدء از تمام جهات مانند هم باشند و هیچگونه تفاوتی نداشته باشند معنی ندارد که دو تا باشند، حتماً یکی خواهد بود. دو چیز حتماً باید در یک قسمت باهم اختلاف داشته باشند، مثلاً شما میتوانید یک انسانی مانند خودتان تصور کنید که شکل و قیافه و رنگ و ساختمان درونی و... همه چیز او حتی پدر و مادر او باشم یکی باشد، ولی بالاخره جاییکه او ایستاده یا نشسته است مسلماً غیر از آن مکانی است که الان و در همین دقیقه شما ایستاده یا نشسته اید، مسلماً دقیقه تولد او غیر از آن دقیقه ای بوده که شما از مادر متولد شده اید، اگر تولد او عیناً در همان آنی بوده که شما متولد شده اید و مکان او عیناً همین مکانی است که الان شما هستید مسلماً او شخص دیگری نیست، خود شما هستید؛ خلاصه دو چیز متعدد باید لا اقل در یک قسمت باهم اختلاف (یا تبعیر علمی ماباه الامتیاز) داشته باشند.

از طرفی حتماً یک جهت اشتراکی هم دارند (ولو در اصل هستی وجود) بنابر این هر کدام از آنها به حکم ضرورت باید از دو قسمت ترکیب شده باشند یکی جهت مشترك میان هر دو، دیگری جهت اختلاف. بعبارت دیگر ماباه الاشتراك و ماباه الاختلاف. و چون در بحث آینده ثابت خواهیم کرد که ذات خداوند مرکب نیست ثابت میشود که دو گانه هم نیست، زیرا لازمه دوگانگی ترکیب است.